

اقتصاد مقاومتی

۱. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن

(ویرایش اول)

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۲۵۴۶

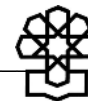
شهریورماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات اقتصادی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری	۲
۲. اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی	۸
۳. شاخص‌های نشان‌دهنده برقراری اقتصاد مقاوم	۱۱
۴. تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد توسعه‌یافته	۱۴
۵. مؤلفه‌های وضعیت جاری اقتصاد کشور	۱۵
۶. راهبردهای بلندمدت و کوتاه‌مدت در کنار سیاست‌های کلان و خرد	۱۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۲۹
منابع و مأخذ	۳۰



اقتصاد مقاومتی

۱. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)

چکیده

«اقتصاد مقاومتی» اصطلاحی است که در سال ۱۳۸۹ اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح شد و پس از آن نیز در سخنرانی‌های متعددی مورد تأکید ایشان قرار گرفت. اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های وارد شده بر اقتصاد را دارد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلندمدت به سیاست‌های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت‌های اقتصاد به‌گونه‌ای طراحی شود تا در آینده چارچوب کلی اقتصاد در برابر انواع ناملازمات تقویت گردد. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم‌های بین‌المللی تحمیل شده سیاست‌های خاص و گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ گردد، در این صورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت نیز قابل تعریف است که به‌منظور عبور از شرایط بحران کوتاه‌مدت طراحی شده است. این گزارش به‌عنوان مطالعه‌ی مقدماتی درخصوص اقتصاد مقاومتی به تبیین گام‌هایی که در شناخت اقتصاد مقاومتی لازم است برداشته شود می‌پردازد و تهیه گزارشات تکمیلی و جنبی در بخش‌های مختلف اقتصادی که در این گزارش شناسایی می‌شود ضروری به‌نظر می‌رسد.

مقدمه

تأکید مکرر مقام معظم رهبری درخصوص اقتصاد مقاومتی و مطالعات کارشناسانه در این خصوص، اهمیت بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی را می‌رساند. «اقتصاد مقاومتی» را به‌طور خلاصه می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصاد داشته باشد. چنین اقتصادی مسلماً باید از تمامی توانمندی‌های خود برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها استفاده کرده

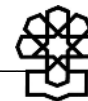
و تلاش کند تا بر روی منحنی امکانات تولید حرکت کند. در یک اقتصاد مقاومتی، نباید تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند. این موضوع به‌خصوص در مورد اقتصاد ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه بالایی است. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و می‌تواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد زیرا یکی از کوتاه‌ترین مسیرها در زمینه ارتباط بین آسیای میانه و اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب و هوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد. یکی از دیگر از ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیلکرده است. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سال‌های پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیلکرده زیادی درحال حاضر در بازار کار فعال باشد که این موضوع هم یک فرصت و هم یک چالش محسوب می‌شود، اما به‌طور کلی وجود نیروی کار جوان و تحصیلکرده یک فرصت است که درحال حاضر کشور ما می‌تواند از آن بهره‌برداری کند. همچنین سایر مزایا و ظرفیت‌های ایران مانند برخورداری از منابع طبیعی معدنی و فسیلی و به‌خصوص نفت خام و گاز طبیعی نیز در زمره ظرفیت‌های اقتصاد ایران قرار می‌گیرند. در اقتصاد مقاومتی باید تلاش شود تا ضمن توجه به متنوع‌سازی منابع، از تمامی ظرفیت‌های اقتصاد استفاده شود.

این مطالعه به بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های آن و مواردی که در مطالعات اقتصاد مقاومتی باید لحاظ شود می‌پردازد. در بخش اول بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد. قسمت دوم از مطالعه رابطه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی را بیان می‌کند. در قسمت سوم شاخص‌هایی که نشان‌دهنده اقتصاد مقاومتی در بلندمدت است تبیین خواهد شد. در قسمت چهارم بخش‌های مختلفی که در مطالعه اقتصاد مقاومتی باید به آن پرداخته شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود. در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور برای اولین بار واژه اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و در ادامه نیز در سخنرانی‌های بسیاری لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن را مورد توجه قرار دادند. از این‌رو پیش از مطالعه درخصوص اقتصاد مقاومتی و تعیین



محورهای آن، لازم است تا ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گیرد. یکی از موارد قابل اهمیت در این خصوص، تبیین وضعیت موجود از دیدگاه رهبر معظم انقلاب است. ایشان در سخنرانی‌های مختلف ضمن تبیین شرایط فعلی کشور، چالش‌ها و فرصت‌ها، عنوان کرده‌اند که شناخت وضع موجود کشور و درنظر گرفتن پتانسیل‌های اقتصاد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۱-۱. مقایسه شرایط بدر و خیبر و شعب ابی‌طالب در صدر اسلام

رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم شرایط امروز کشورمان را این‌چنین توصیف کردند: «یک روز در صدر اسلام، دشمنان به‌نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی مسلمانان، آنها را از پا بیاندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. این‌جور نیست. ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم»^۱. در شرایط شعب ابی‌طالب مشرکین یک محاصره اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همه‌جانبه را علیه مؤمنین طراحی و اجرا کردند. آنها طبق این برنامه تحریم، تمام ارتباطات مسلمین را قطع کردند. مسلمانان که حتی از سرپناهی در مقابل گرمای تابستان محروم شده بودند، تقریباً سه سال از دارایی‌های خودشان خوردند و امکان فعالیت اقتصادی نداشتند، به‌گونه‌ای که در اواخر دوران شعب ابی‌طالب، حتی برای بچه‌هایشان هم غذایی یافت نمی‌شد. مؤمنین در آن سه سال بسیار تکیده و فرسوده شدند؛ تا حدی که اگر محاصره شکسته نمی‌شد، تنها یک قدم تا مرگ فاصله داشتند. در آن وضعیت سخت، یکی از منابع مالی ارزشمند برای مسلمانان، همان تجارت حضرت خدیجه سلام‌الله‌علیها و اموالش بود. مشرکین برای تکمیل محاصره‌شان تمام معاملات تجاری حضرت خدیجه سلام‌الله‌علیها را قطع کردند تا هیچ‌کس به مسلمین جنس نفروشد. در نتیجه مسلمانان مجبور بودند که اجناس را به چهار برابر و پنج برابر قیمت بخرند. ضمن اینکه مشرکین نیز برای جلوگیری از دادوستد اجناس کاروان‌های تجاری با مسلمانان داخل شعب، مجبور بودند اجناس را گران‌تر بخرند. وقتی اجناس را گران می‌خریدند، دیگر در مکه کسی خریدار این اجناس گران نبود. در نتیجه طی این سه سال، تراز مالی بسیار بالایی از مکه خارج شد.

بنابراین مشرکین احساس کردند ادامه این سیاست، مکه را هم دچار فقر می‌کند و تجار مکه هم از بین می‌روند. یعنی همان‌طور که مسلمین در شعب زیان می‌دیدند، تجار مکه هم زیان شدیدی را تحمل می‌کردند، منتها آنهایی که داخل شعب بودند، می‌گفتند ما خدا را داریم، اما آنهایی که بیرون

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹.

بودند، هیچ اعتمادی به خدا نداشتند. لذا شعب و بیرون شعب مانند دو گشتی‌گیر در حال مسابقه، نفس‌هایشان رو به اتمام بود و کسی برنده بود که یک قدم بیشتر مقاومت می‌کرد. بنابراین وقتی موریانه آن کاغذ را خورد، یک‌باره راهی برای مشرکین هم پیدا شد که خودشان را نجات دهند.

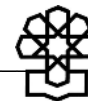
اما در شرایط جنگ بدر مسلمانان در موقعیت قدرت قرار داشتند و وقوع غزوه بدر به این سبب بود که اموال و دارایی‌های مسلمانان پس از هجرت به مدینه، توسط مشرکان قریش مصادره شد، از این رو پیامبر(ص) حال که با تأسیس حکومت اسلامی در موقعیت اقتدار قرار گرفته بود، در مقام مقابله برآمد و برای تصرف کاروان اقتصادی مکه که از نزدیکی چاه‌های بدر در حال عبور بود، اقدام کرد. در این حال، مشرکان قریش به سرکردگی ابوسفیان که حیثیت خود را در خطر می‌دیدند، به مصاف اسلام آمدند که البته با شکست تحقیرآمیز و مفتضحانه‌ای روبرو شدند. وی افزود: در این نبرد، با اینکه تعداد کفار قریب به سه برابر مسلمانان بود، اما ضربه سختی خوردند.

در غزوه خیبر، آن جبهه یهودی که طراح اصلی و مغز متفکر مشرکین بود، خود را علنی کرد و همه داروندارش را در منطقه خیبر جمع کرد تا با پیامبر اکرم (ص) مقابله کند. در این هنگام مؤمنین که تا پیش از این نفسشان به شماره افتاده بود و به هیچ عنوان در مدینه و حومه با یهودیان درگیر نمی‌شدند، در موقعیتی قرار گرفتند که توانستند استحکامات یهودیان را دویست کیلومتر دورتر از مدینه محاصره کنند و این یعنی تفاوت موقعیت؛ یک روزی درون شهرشان محاصره می‌شدند، اما حالا دشمن را در منطقه خودش محاصره کرده بودند.

وقتی دشمنان در خیبر شکست خوردند، دو ضربه اساسی به آنها وارد آمد؛ اول اینکه متفکرهایشان مثل «علی بن اخطب» ضربه خوردند. دوم اینکه ثروت عظیمی در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت، به‌گونه‌ای که پس از آن، اوضاع مادی مدینه کاملاً تغییر کرد؛ اصحاب صُفّه دارای خانه و امکانات شدند، سپاه پیامبر اکرم (ص) دارای زره و اسب و امکانات شدند و مدینه از آن فقر پیشین درآمد.^۱

بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه گرفت، که شرایط امروز ایران با شرایطی که در آن به‌واسطه تحریم‌ها توان مقاومتی کشور تا حد نابودی کاهش یابد به‌طوری که در سال‌های شعب ابی‌طالب برای مسلمانان پیش آمده بود، نیست، بلکه قدرت امروز جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در معادلات اقتصادی جهانی به‌گونه‌ای است که هرگونه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد جهانی را با مشکل جدی مواجه کرده و ایران نیز می‌تواند از قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای خود به‌منظور مقابله به‌مثل به خوبی بهره‌مند گردد.

1. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=18669>



۱-۲. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

همانطور که اشاره شد، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ها و بیانات متعددی به موضوع اقتصاد مقاومتی پرداختند که می‌توان با بررسی این بیانات، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه ایشان را استخراج کرد به‌طوری که در این میان ۹ مؤلفه اصلی اقتصاد مقاومتی قابل شناسایی است.

۱-۲-۱. تفسیر معنای کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به‌وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم، البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه این کارهایی که شده است، همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌تواند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پروونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

۱-۲-۲. حرکت براساس برنامه، کوتاه‌تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم‌های

خلق‌الساعه و تغییر مقررات

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات: از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

حرکت براساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

۱-۲-۳. اجرای طرح‌هایی در جهت کاهش اسراف و وابستگی به خارج مانند هدفمند کردن یارانه‌ها

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

به‌نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز

بالتر می‌رفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد و بقیه چیزهایی که مورد نیاز کشور است.

هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار باید به انجام برسد.

۴-۲-۱. تأکید بیشتر بر مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد.

۵-۲-۱. استفاده بیشتر از تولید داخلی

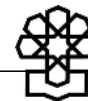
بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیرایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.

۶-۲-۱. کاهش وابستگی به نفت

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه



اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت اینکه هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

۷-۲-۱. مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

مسئله اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است، البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل چهارم قانون اساسی که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد، البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

۸-۲-۱. پرهیز از دید کوتاه مدت و نگرش زودگذر به شعارهای سالیانه مانند اصلاح الگوی

مصرف، جهاد اقتصادی و...

بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که اینها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند.

من سال ۱۳۸۶ در سخن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصّلاة و السّلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله اقتصاد را پیگیری می‌کنند؛ بعد هم آدم می‌تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله جلوگیری از اسراف، مسئله همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله جهاد اقتصادی و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

۹-۲-۱. شرکت‌های دانش‌بنیان

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان مورخ ۱۳۹۱/۵/۸
ما باید هرکدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفا کنیم. یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

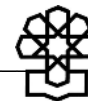
۱۰-۲-۱. ارتباط با دنیای خارج و رشد و شکوفایی در زمان تحریم

بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۷

در زمینه مسائل اقتصادی، «اقتصاد تهاجمی» را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعاً یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی - به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی - وجود دارد، چه اشکالی دارد؟ آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده، البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است. شما دانشجوی هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد.

۲. اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی

در آموزه‌های اسلامی نیز می‌توان مواردی را یافت که هم به‌عنوان شاخص‌های یک اقتصاد اسلام و هم به‌عنوان شاخص‌های یک اقتصاد مقاومتی قابل شناخت است. از این رو می‌توان اظهار داشت که مبانی اقتصاد اسلامی مبتنی بر تشکیل یک اقتصاد مقاومتی است. برخی از این شاخص‌ها در ادامه بحث ارائه می‌شوند.



۲-۱. نفی سبیل

نفی سبیل مهمترین قاعده فقهی است که ضرورت وجود اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد. قاعده اسلامی فوق هرگونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد. از مهمترین آیات قرآنی که بر این اصل دلالت دارد آیه ۱۶۱ سوره نساء است:

«همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می‌گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی‌گذاشتیم به دین مؤمنین بگروید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند».

۲-۲. عدم اسراف

اسراف در فعالیت‌های اقتصادی به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از یک حد میانه و اعتدال است، چه در کردارهای مصرفی و چه در فعالیت‌های تولیدی. در طی بیش از ۲۵ آیه در قرآن کریم از عمل اسراف و تبذیر نهی شده است.

تحریم اسراف موجب می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های خویش منافع و هزینه‌های اجتماعی و نه شخصی کار خویش را ملاک قرار می‌دهند. بدین ترتیب مصلحت جامعه مد نظر قرار می‌گیرد و ملاک تصمیم‌گیری واقع می‌شود نه منافع شخصی (صدر، ۱۳۷۴).

اسراف از جنبه‌های مختلف به جامعه صدمه می‌زند. با فرض محدود بودن عرضه کالاها، مصرف زیاد توسط ثروتمندان باعث افزایش قیمت کالاها و دسترسی سخت‌تر فقرا به کالاهای مورد نیاز خواهد شد که می‌تواند موجب بروز خشم و نفرت در بین این طبقه و خودداری از مشارکت آنها در دفاع از کشور گردد. موج فزاینده مصرف می‌تواند منجر به افزایش شدید واردات، خروج سرمایه‌ها و ذخایر ارزی و آسیب‌پذیر شدن کشور در برابر بیگانگان شود (سیدشکری، ۱۳۸۸).

تحریم اسراف با کاستن از شدت افزایش مصرف، باعث افزایش پس‌اندازها شده که در مراحل بعد منجر به افزایش انبار سرمایه، قدرت مقاومت و رشد اقتصادی کشور خواهد شد.

از آنجا که خودداری از اسراف در راستای منافع طبیعی اشخاص می‌باشد، عوامل اقتصادی که کارآ رفتار می‌کنند، یا از مصرف بی‌رویه خودداری می‌کنند یا در غیر این صورت در بازار رقابتی مجبور به تحمل هزینه‌های آن خواهند شد. به هر حال دولت می‌تواند با آموزش مردم، قیمتگذاری کالاها براساس کمیابی آنها و اجتناب از پرداخت یارانه‌های غیرهدفمند جامعه را در مسیر اجرای بهتر این قانون الهی قرار دهد. باید توجه داشت این منع اسراف در بدنه حکومت و نظام نیز باید

وجود داشته باشد. وقتی دولت به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در اقتصاد کشور است، طبیعتاً نقش مهم‌تری نسبت به بخش خصوصی در کاهش هزینه‌ها می‌تواند داشته باشد و عدم رعایت این اصل توسط دولت مانع از رعایت آن توسط عموم افراد جامعه خواهد شد. همچنین تجربیات نشان داده است خصوصی‌سازی یکی از روش‌هایی است که می‌تواند به کاهش مصرف و جلوگیری از اسراف منجر شود زیرا در بنگاه‌های دولتی که هدفشان حداقل کردن هزینه نیست اتلاف منابع تا حدود زیادی مشاهده شده است. در این راستا دولت می‌تواند با فعال‌تر کردن بخش خصوصی در اجرای فعالیت‌هایی که مانعی برای حضور آنها وجود ندارد و خودداری از بزرگ شدن بی‌برنامه دولت و نظارت بیشتر به مبارزه با اسراف بپردازد.

۲-۳. نهی از اخلاص در نظام

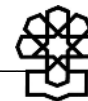
هر سیاست یا فعالیتی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم و نسق جامعه گردد، حرام است. این تحریم ضامن حفظ استقلال جامعه و عدم استضعاف مسلمانان می‌شود. یکی از موارد اختلال نظام وقتی است که اجرای یک فعالیت مجاز یا پرهیز از یک فعالیت غیرمجاز موجب هرج و مرج یا عسرو حرج برای مردم گردد (صدر، ۱۳۷۴). شاید بتوان این‌گونه گفت که سیاست‌ها در یک اقتصاد اسلامی باید به‌صورتی باشد که اخلاص در نظام و شرایط عسرو حرج را به بار نیاورد.

۲-۴. نهی از اتراف

اتراف رفتار و عمل اقتصادی است که از سوی برخی از سرمایه‌داران و ثروتمندان انجام می‌شود. به این معنا که مال و ثروت زیاد، آنان را به رفتار ضد اخلاقی و هنجاری می‌کشانند، البته اتراف ارتباط مستقیمی با مصرف ندارد، بلکه ویژگی اخلاقی و رفتار اجتماعی است، زیرا شخص مترف به سبب رفاه و آسایش زیاد با مردم رفتاری متکبرانه و تفاخری دارد و در حوزه عمل اجتماعی تعادل رفتاری و شخصیتی خویش را از دست می‌دهد.

اتراف از جمله فرهنگ‌ها و هنجارهایی است که قرآن آن را باعث هلاکت حتمی جوامع معرفی می‌کند و اتراف‌کنندگان که قرآن آنها را مترفین می‌نامد همیشه باعث نابودی جوامع بوده‌اند (سیدشکری، ۱۳۸۸). شاید بتوان مصرف کالاهای تجملی و غیرضروری که مصرف عموم افراد جامعه نباشد و فقط در دهک بالای درآمدی و تنها از طریق واردات تأمین گردد را در زمره این‌گونه موارد به حساب آورد.

علاوه بر تحریم اسراف، تبذیر و اتراف، مصرف به انگیزه تفاخر و ابراز امتیاز و خودنمایی



مورد نکوهش اسلام قرار گرفته است (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳).

علاوه بر قواعد ذکر شده در بالا که باعث حفظ و افزایش سرمایه‌های فیزیکی اقتصاد می‌شوند، اسلام به حفظ و افزایش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه توجه داشته است. توصیه به آموزش و یادگیری علوم به همراه نکوهش کم‌کاری و تنبلی، سرمایه انسانی جامعه را افزایش می‌دهد. برابر دانستن کلیه مسلمانان با هم به همراه توصیه به وفای به عهد و داشتن اخلاق خوش سرمایه اجتماعی جامعه را افزایش می‌دهد.

دولت می‌تواند با اجرای صحیح سیاست‌های اقتصادی به اجرایی شدن احکام فوق در جامعه کمک کند. احکام اسلامی که در بالا به آن اشاره شد همگی از مشخصات اصلی یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم است. رعایت دو اصل قیمتگذاری کالاهای عمومی و دولتی براساس ارزش واقعی آنها و استفاده از امکانات بخش خصوصی از ترویج اسراف جلوگیری می‌کند. همچنین عدم اجرای سیاست‌هایی که منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود مانند نرخ‌های دوگانه که زمینه فساد و رانت‌خواری را ایجاد می‌کند می‌تواند منجر به اجرای دو اصل «نهی از اخلال در نظام» و «اتراف» شود، زیرا به‌طور معمول پول‌های بادآورده زمینه رفتارهای ضداخلاقی را فراهم می‌سازد. درخصوص سه اصل «عدم اتلاف»، «لاضرر» و «قاعده سلطنت» نیز در صورتی که فضای کسب‌وکار مناسب بوده و حقوق مالکیت رعایت شود، این سه اصل تا حدود زیادی رعایت می‌شوند. در کنار این سیاست‌های اقتصادی، آموزش صحیح و کارآمد نیز می‌تواند زمینه مساعدتری را برای رعایت احکام فوق ایجاد کند.

۳. شاخص‌های نشان‌دهنده برقراری اقتصاد مقاوم

در صورتی که اقتصادی دارای شاخص‌های زیر باشد، می‌توان آن را اقتصادی مقاوم دانست که کمترین تأثیر را از شوک‌های وارده به اقتصاد را پذیرفته و توانایی بازسازی سریع پس از ورود شوک را دارد.

اقتصاد مقاوم ماهیتی چندگانه دارد که باعث می‌شود نتوان آن را با یک شاخص نشان داد. به هر حال می‌توان شاخص‌های زیر را به عنوان نشانه‌ای از مقاوم‌تر شدن اقتصاد در نظر گرفت.

۳-۱. نرخ پایین بیکاری و بیکاری پنهان

بیکاری دارای هزینه‌های بسیاری است. افزایش اعتیاد، بیماری‌های روانی، گسترش خشونت و تبهکاری، برهم خوردن تعادل روحی افراد، افزایش نرخ طلاق، از دست دادن حیثیت و فهرست این

هزینه‌ها همچنان می‌تواند ادامه یابد. هیچ راه‌گزینی از آسیب‌های روانی بیکاری به‌طور کامل در دسترس نیست. وضع بیمه بیکاری اگرچه هزینه‌های فردی بیکاری را تا حدی کاهش می‌دهد، اما هزینه‌های اجتماعی از دست رفتن بخشی از نیروی کار که می‌تواند در تولید شرکت کند ولی عملاً شرکت نمی‌کند باقی می‌ماند. به بیان دیگر این امر موجب کاهش تولید ملی بالفعل نسبت به تولید بالقوه می‌شود. حتی افراد شاغل از بیکاری دیگران اثر می‌پذیرند. آنها مجبورند از افراد بیکار خانواده نگهداری کنند و این امر بار تکفل را بالا می‌برد که به نوبه خود باعث کاهش پس‌انداز و در نتیجه آهسته شدن نرخ تشکیل سرمایه می‌شود. وجود افراد بیکار باعث می‌شود تا شاغلان امنیت شغلی نداشته باشند و قدرت چانه‌زنی آنها از بین می‌رود. در سطح بین‌الملل کشوری که بیکاران بسیار دارد به لحاظ تولید نمی‌تواند با سایر کشورها رقابت کند و بیگانگان با زحمت کمتری می‌توانند لشگر بیکاران را به سمت اهدافشان هدایت کنند.

با این حال ترس از بیکاری نباید جامعه را به سویی سوق دهد که ایجاد شغل با هر کیفیت و با هر قیمت را به مثابه یک راهبرد کوتاه‌مدت انتخاب و براساس آن عمل کند. ایجاد اشتغال واقعی با به سرکار گماردن تفاوت‌های بنیادین دارد. ایجاد اشتغال باید با توجه به واقعیت‌های اقتصاد جهانی و شناسایی تحولات آتی آن، شناخت از آینده و با فرض ایجاد مزیت‌های تازه در اقتصاد ایران صورت گیرد. سرمایه‌گذاری در فعالیتهایی که تنها با استفاده از یارانه‌های دولتی و انحصارهای موجود و تنگ شدن دایره واردات صورت پذیرد، می‌تواند یک داروی آرام‌بخش با تأثیرات کوتاه‌مدت باشد (سیدشکری، ۱۳۸۰).

۳-۲. بهره‌وری بالای نیروی کار

بهره‌وری متوسط نیروی کار از تقسیم تولید کشور به جمعیت شاغل به‌دست می‌آید. پایین بودن گسترده چنین شاخصی برای یک کشور به نسبت سایر کشورها نشانگر اتلاف گسترده وقت و سایر منابع می‌باشد. طبیعی است که در چنین حالتی کشور نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای از منافع برحقش در برابر دیگران دفاع کند.

۳-۳. دوقطبی نبودن جامعه

اختلاف درآمدی تا آنجا که نشانگر تفاوت‌های نسبی افراد است منطقی بوده و می‌تواند عامل مثبتی برای کار و کوشش بیشتر باشد، اما هنگامی که نابرابری درآمد به حدی می‌رسد که جامعه به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم می‌شود باعث به‌وجود آمدن خطرات جدی برای جامعه خواهد شد.



گسترش فقر مانع از مشارکت گسترده همگان در برنامه‌های عمومی خواهد شد و توده‌های ناامید و فقیر هیچ مقاومتی در برابر انواع تهاجمات بیگانه از خود نشان نخواهند داد.

۳-۴. سرمایه اجتماعی بالا

سرمایه اجتماعی متغیری کلیدی است که باعث ایجاد همکاری و اتحاد بین مردم می‌شود. وجود چنین سرمایه‌ای فواید متعددی برای جامعه دارد که یکی از آنها فراهم ساختن مقاومت بهتر کشور در برابر تهدیدات بیگانه است. هرچند که مشاهده سرمایه اجتماعی در جامعه بسیار آسان است،^۱ اما اندازه‌گیری دقیق آن دشوار می‌باشد. چنانچه تعداد سازمان‌های غیرانتفاعی یا افراد شرکت‌کننده در این سازمان‌ها را به عنوان معیاری از سرمایه اجتماعی در نظر بگیریم،^۲ راهکارهای دولت برای افزایش سرمایه اجتماعی تا اندازه‌ای مشخص می‌شود. یکی از ابزارهای مهم برای دولت‌ها در این زمینه نظام آموزشی کشور است. علاوه بر آن دولت‌ها با تولید کالاهای عمومی می‌توانند بر سرمایه اجتماعی اثرگذار باشند. دفاع از حقوق مالکیت و امنیت اجتماعی از مهمترین وظایف دولت‌هاست. هنگامی که مردم نگران امنیت شخصی خود هستند، نمی‌توانند همانند دیگران در فعالیتهای خیریه شرکت کنند. دولت‌ها با گسترش ندادن بیش از حد فعالیت‌هایشان (یا به زبان دیگر مانع نشدن از فعالیتهای بخش خصوصی) می‌توانند انگیزه مشارکت مردم با یکدیگر را افزایش دهند. در غیر این صورت با وجود دولت بزرگ، مردم به این نهاد وابسته کامل شده و شرایط برای مشارکت با یکدیگر کاهش می‌یابد. گسترش سازمان‌های فوق علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی با کاهش مسئولیت دولت، منابع آن را برای انجام سایر فعالیتهای دارای اهمیت آزاد خواهد کرد.

۳-۵. تنوع درآمدهای صادراتی کشور

ویژگی مشترک اغلب کشورهای درحال توسعه وابستگی شدید آنها به تولید و صادرات یک یا چند محصول اولیه یا کشاورزی است که منجر به آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تغییرات قیمتی آن کالاها خواهد شد. راه نجات این کشورها گسترش پایه تولید صادراتی به تعداد زیادی از کشورهای جهان می‌باشد. در کشور ما این امر به معنای گسترش صادرات غیرنفتی است.

۱. هر فرد به‌سادگی با درنظر گرفتن شاخص‌هایی مثل کمیت و کیفیت کمک‌هایی که به دیگران کرده یا از دیگران دریافت کرده است، می‌تواند به تخمینی از میزان سرمایه اجتماعی پیرامونش دست یابد.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به والاس (۲۰۰۵) مراجعه شود.

۳-۶. نرخ رشد اقتصادی بالا

اقتصادهایی که ویژگی‌های ذکر شده را کسب کنند معمولاً با یک نرخ رشد بالا همراه هستند که نشانگر مقاوم بودن آنها نیز هست. این نرخ رشد سبب بالاتر رفتن سطح درآمدها و رفاه آحاد افراد جامعه می‌گردد و البته در نهایت می‌تواند شکاف درآمدی بین افراد جامعه را نیز کاهش دهد.

این شاخص‌ها در یک اقتصاد مقاوم می‌تواند با چالش‌هایی نیز همراه باشد که نحوه سیاستگذاری‌ها در هر جامعه‌ای بستگی به نوع سیاست دولت‌ها خواهد داشت. مثلاً سیاست‌های اقتصادی انبساطی در پیش گرفته شود یا انقباضی که معمولاً سیاست‌های انبساطی هرچند سطح درآمد را بالا می‌برد، اما در نهایت نرخ تورم نیز می‌تواند بالاتر باشد.

شاید این سؤال مطرح شود که با توجه به موارد فوق چه تفاوتی بین یک اقتصاد مقاومتی با یک اقتصاد توسعه‌یافته وجود دارد. زیرا موارد گفته شده را به نحوی می‌توان در اقتصاد توسعه یافته نیز مشاهده کرد. در ادامه این موضوع بررسی می‌شود.

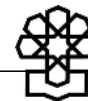
۴. تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد توسعه‌یافته

ویژگی‌های ذکر شده در بالا مشخصات یک اقتصاد سالم یا توسعه‌یافته را مجسم می‌سازند، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که اقتصاد مقاومتی از چه ویژگی خاصی برخوردار است؟ پاسخ این سؤال در ارتباط با مفهوم و تعریف توسعه است. به عنوان مثال، کشور کره جنوبی از شاخص‌های اقتصادی مناسبی برخوردار بوده، اما ارتش آمریکا با ادعای دفاع در این کشور حضور پررنگی دارد. شاید عده‌ای کشور کره جنوبی را یک اقتصاد مقاوم بدانند، اما چنین تعریفی مطابق با اهداف جمهوری اسلامی نیست. در طرف دیگر کشور کره شمالی قرار دارد که هیچ نرمشی در برابر آمریکا از خود نشان نداده است، اما از وضعیت اقتصادی وخیمی رنج می‌برد. بنابراین می‌توان اقتصاد مقاومتی را اقتصادی دانست که ضمن حفظ ویژگی‌های یک اقتصاد کارآمد، از استقلال خود پاسداری می‌کند و بهای آن را هم با رضایت و افتخار می‌پردازد.

یک اقتصاد با ویژگی اقتصاد مقاومتی باید تلاش کند تا نقش تأثیرگذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند به طوری که اعمال هرگونه تحریمی علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد جهانی را با مخاطره مواجه سازد.

در الگوهای کلاسیکی و نئوکلاسیکی، اقتصاد توسعه‌یافته می‌تواند دارای تعامل پویا با اقتصاد جهانی باشد و مبادلات تجاری را براساس مزیت رقابتی با جامعه جهانی شکل دهد.

اما وقتی شرایط تعامل با اقتصاد جهانی محدود شده باشد چه باید کرد؟ در اقتصاد مقاومتی



نگاهی واقع‌گرا (و نه خوش‌بینی افراطی الگوهای نئوکلاسیکی) به جهان خارج وجود دارد و فرض نمی‌کند که کشور می‌تواند کلیه نیازهای خود مانند فناوری‌های پیشرفته را از سایر کشورها تهیه کند. از سوی دیگر کشور با بیان صحیح مواضع حق‌طلبانه‌اش در سطح بین‌المللی خود را از امکان ارتباطات سالم با جهان خارج محروم نمی‌سازد و احتیاجی به درپیش گرفتن سیاست پرهزینه خوداتکایی در همه زمینه‌ها ندارد. بنابراین شاخص‌های ارتباط با جهان خارج (مانند میزان سرمایه‌گذاری خارجی به کل سرمایه‌های کشور) نسبت به سایر کشورهای در حال پیشرفت اندازه کمتری دارد.

در این راستا کشور به شکل کارآمد به متنوع‌سازی کلیه سرمایه‌های خود (اعم از انسانی، فیزیکی و اجتماعی) دست می‌زند تا آثار منفی حرکات خصمانه دشمنان را به حداقل برساند. اقتصاد مقاوم در بلندمدت اقتصادی است که در آن کشور وابستگی کمتری به یک کالای صادراتی خاص مانند نفت خام دارد.

هرچند که متنوع‌سازی یا رهایی از اقتصاد تک‌محصولی ویژگی مشترک هر کشور توسعه‌یافته‌ای است، اما در اقتصاد مقاومتی این عمل با دقت بیشتر و در حوزه‌ای بزرگ‌تر (با نگاه به صنایع راهبردی) رخ می‌دهد.

به همین ترتیب اجرای سیاست‌های ارتقا‌دهنده کارآیی مانند خصوصی‌سازی با دقت بیشتری در اقتصاد مقاومتی اجرا خواهد شد تا دشمنان نتوانند از بیکاری حاصله به نفع خود بهره‌برداری کنند. اهمیت فوق‌العاده پس‌انداز در اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند تا دولت سیاست‌های فعال‌تری را در این زمینه ایفا کند. در حوزه بازارهای مالی، توجه به ابزارهای کارآمد مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است با این حال با توجه به آنکه بازار سهام تا حد بیشتری از تحولات بین‌المللی آسیب می‌پذیرد، نقش بانک پررنگ‌تر خواهد بود، هرچند که بازار سهام نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۵. مؤلفه‌های وضعیت جاری اقتصاد کشور

به منظور بررسی و انجام مطالعه در خصوص اقتصاد مقاومتی لازم است تا ابتدا تحلیلی از وضع موجود و فعلی اقتصاد را ترسیم کنیم تا با بررسی واقعیت‌های اقتصاد نسبت به سیاست‌هایی که باید برای گذر از شرایط بحران اقتصاد اتخاذ شود، تصمیم‌گیری شود. بررسی وضعیت موجود اقتصاد در چند بخش باید صورت گیرد. در ابتدا باید شرایط فعلی کشور با موقعیت دهه اول انقلاب مقایسه شود. این مقایسه از آن جهت صورت می‌گیرد که ممکن است بسیاری از سیاست‌هایی که به منظور گذر از شرایط بحران اتخاذ می‌شود به سیاست‌های دهه اول انقلاب شباهت داشته باشد،

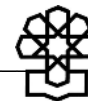
بنابراین باید توجه داشت که شرایط فعلی کشور به لحاظ موقعیت اقتصادی، موقعیت فرهنگی، موقعیت بین‌المللی، تحریم‌ها و سایر موارد بسیار متفاوت از شرایط دهه اول انقلاب است. همچنین پس از بررسی این مقایسه، لازم است تا وضعیت کشور به لحاظ سایر موارد نیز مورد بررسی قرار گیرد. بررسی وضعیت درآمدهای ارزی، موجودی حساب ذخیره ارزی و یا صندوق توسعه ملی، بررسی وضعیت موجودی کالاهای اساسی و میزان وابستگی به واردات در بخش‌های مختلف از جمله مواردی است که در بررسی وضعیت موجود باید مورد توجه قرار گیرد.

سایر موارد مانند وضعیت اشتغال به لحاظ آنکه درصد بیکاری ارتباط مؤثری با میزان همراهی مردم با سیاست‌های اتخاذی و شاخص‌های فرهنگی دارد و همچنین شرایط کسب رانت و گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه در صورت دخالت گسترده دولت در بازارها نیز از جمله مواردی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی وضعیت سیاست‌های اتخاذی دولت و سیاستگذاری‌های کلان اقتصاد نیز از اهمیت برخوردار است. سیاست‌های ارزی و به‌خصوص توجه به امر ذخیره‌سازی ارزی از اهمیت برخوردار است. همچنین بررسی پایه پولی، سیاست‌های پولی اتخاذ شده، وضعیت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و رشد آن به واسطه تسهیلات تکلیفی سال‌های اخیر و استمهال مکرر مطالبات معوق بانک‌ها از جمله مواردی است که باید مورد بررسی قرار گیرد به‌طوری که تصویری روشن از وضعیت فعلی کشور را ارائه دهد. برای مثال روشن ساختن میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، وضعیت پایه پولی و مواردی از این قبیل، به اتخاذ تصمیمی مناسب برای سیاستگذاری پولی در شرایط بحران کمک می‌کند و مانع از اتخاذ تصمیم‌های آنی و فوری در جهت تزریق نقدینگی به بخش‌های مختلف می‌شود.

بررسی وضعیت منابع مالی دولت نیز در اتخاذ تصمیم برای اقتصاد مقاومتی از اهمیت برخوردار است. درحالی که یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است و از طرف دیگر استفاده از تولید داخلی در دستور کار قرار می‌گیرد، باید توجه داشت درحال حاضر چند درصد از درآمدهای دولت از طریق نفت و چه میزان از طریق مالیات تأمین می‌شود، زیرا از طرفی کاهش درآمدهای نفتی در بودجه دولت باید از طریق مالیات تأمین شود و از طرف دیگر افزایش مالیات، امکان افزایش تولیدات داخلی را محدود کرده و انگیزه برای تولید را کاهش می‌دهد. همچنین در قسمتی از مطالعه درخصوص اقتصاد مقاومتی باید منابع بالقوه درآمدزایی برای کشور و دولت نیز در نظر گرفته شود.

از موارد دیگری که در بررسی وضعیت جاری اقتصاد کشور باید مورد بررسی قرار گیرد،



واکاوی برخی از مهمترین مشکلات بخش‌های اقتصادی در شرایط فعلی است. بررسی این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا تا زمانی که مهمترین مشکلات بخش‌های اصلی اقتصاد احصا نشود، نمی‌توان راجع به سیاستگذاری درخصوص این بخش‌ها تصمیم‌گیری کرد. به‌عنوان مثال در بخش نفت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران، تا زمانی که مشکلات ناشی از تحریم‌های نفتی و پیامدهای آن در این صنعت مشخص نشود، نمی‌توان درخصوص روش‌های کاهش وابستگی به نفت و یا روش‌هایی برای کشف مشتریان جدید نفتی در بازارهای بین‌المللی پیشنهاداتی ارائه کرد. همچنین بررسی مشکلات بخش صنعت نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌عنوان مثال در بخش صنعت، بررسی میزان وابستگی صنعت به واردات از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌خصوص آنکه در اقتصاد مقاومتی یکی از مؤلفه‌های اصلی، کاهش وابستگی به واردات است. سایر موارد مانند وضعیت کالاهای اساسی مورد نیاز در تولیدات صنعتی نیز دارای اهمیت هستند و باید در بررسی‌ها مورد توجه قرار گیرند. بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های کشور که تأمین‌کننده نیازهای اساسی و ضروری است نیز باید در بررسی‌ها لحاظ شود تا هرگونه تصمیمی درخصوص این بخش با درنظر گرفتن شرایط فعلی این بخش باشد.

۶. راهبردهای بلندمدت و کوتاه‌مدت در کنار سیاست‌های کلان و خرد

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از یک‌سو به دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت قابل تقسیم است. اقتصاد مقاومتی بلندمدت اقتصادی را ترسیم می‌کند که در عین حال هم تعامل پویا با دنیای خارج دارد و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را نیز داراست. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به شوک‌های وارده داشته باشد. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بلندمدت باید برنامه‌ریزی‌های بلندمدت صورت گرفته و سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند. در این حالت به‌نظر می‌رسد سیاست‌های کلان برای آنها ضروری است.

اما اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آنها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحران بوده و در بلندمدت تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد ندارند که در این میان می‌توان به دخالت دولت در برخی از بخش‌های اقتصاد نام برد. هرچند که این سیاست‌ها می‌توانند در طول سیاست‌های کلان و بلندمدت قرار گیرند، اما به‌نظر می‌رسد برای شرایط بحران سیاست‌های کوتاه‌مدت ضروری است و با عبور از بحران این سیاست‌ها می‌تواند در مسیر بلندمدت اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

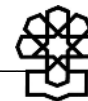
۶-۱. اقتصاد مقاومتی بلندمدت و راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی

برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی بلندمدت طبیعتاً راهبردهایی باید در پیش گرفته شود که اثرگذاری آنها وسیع و همه‌جانبه باشند که در این صورت راهبردهای کلان را می‌طلبند. هدفگذاری اقتصاد در این راستا می‌تواند در قالب تبیین آنها در برنامه‌های پنج‌ساله و سیاستگذاری بودجه‌ای از طریق بودجه‌های سالیانه و جهت‌گیری قوانین و مقررات باشد. برخی از این راهبردها که جنبه کلان دارند به شرح زیر معرفی می‌گردد:

۶-۱-۱. خودکفایی و متنوع‌سازی اقتصاد

یکی از ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه وابستگی به صدور یک یا چند کالای خاص (محصولات کشاورزی یا مواد معدنی) می‌باشد. هرچند که آدام اسمیت و سایر اقتصاددانان معتقد به بازار آزاد، تقسیم کار و تخصص‌گرایی را راهکار اصلی پیشرفت می‌دانند، اما تجربه نشان داده است کشورها با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول معدنی یا کشاورزی در چرخه باطل عقب‌ماندگی گرفتار آمده‌اند، پدیده‌ای که می‌توان آن را تخصص‌گرایی افراطی دانست. این مطلب در مورد کشورهای صادرکننده منابع معدنی و به‌خصوص نفت خام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا نوسانات شدید قیمتی محصولات معدنی به‌خصوص نفت، درآمدهای ارزی این کشورها را به شدت دچار نوسان می‌کند در چنین شرایطی در مواقع کاهش درآمدهای ارزی جامعه برای حفظ سطح مصرفش ناگزیر به دریافت وام و کمک‌های خارجی از مجامع و بانک‌های بین‌المللی است که باعث وابستگی به نهادهای مذکور شده و در اقتصاد ایجاد اختلال می‌کند. در صورت ناکامی کشور در اخذ کمک‌های بین‌المللی نیز برنامه‌های عمرانی کشور مختل شده و سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز از ادامه فعالیت منصرف می‌شوند. ازسوی دیگر نوسانات بالای اقتصادی مانع رشد باثبات خواهند شد، زیرا تجربه نشان داده که افزایش درآمدهای صادراتی در زمان رونق، کاهش درآمدها در زمان رکود را جبران نمی‌کند (شدیاق و دیگران، ۲۰۰۸).

به‌نظر شدیاق و دیگران (۲۰۰۸) حتی هنگامی که قیمت کالای صادراتی غالب (مانند نفت در ایران) بالا می‌باشد باز هم علائم موقتی بودن رونق نمایان می‌شود. بخش صادراتی کالای غالب، نیروی انسانی کمی را جذب می‌کند، بنابراین قسمت عمده نیروی کار در سایر بخش‌ها با بازدهی پایین مشغول هستند رشد این بخش‌ها تنها نشانگر سرریزی درآمدها در بخش صادراتی یا وابستگی شدید بخش‌های اقتصادی به بخش صادراتی کالای غالب می‌باشد و هنگامی که رونق موقتی این بخش به پایان رسید، کلیه بخش‌های اقتصادی دچار رکود می‌شوند. با تقویت بیش از حد



پول ملی صادرات سایر کالاها کاهش می‌یابد و قیمت زمین و مسکن به شدت افزایش می‌یابد (بیماری هلندی).

به نظر بعضی از اقتصاددانان در بلندمدت قیمت کالاهای اولیه نسبت به کالاهای صنعتی کاهش می‌یابد و به معنای آن است که کشورهای در حال توسعه با چنین الگوی صادراتی، همیشه در موضع ضعف نسبت به کشورهای توسعه‌یافته قرار خواهند داشت. متنوع‌سازی اقتصاد شیوه‌ای کارآ برای نجات دادن کشور از اقتصاد تک‌محصولی می‌باشد. با این حال علیرغم توافق همگانی درباره این پدیده نگاه یکسانی در مورد به کار بستن عملی آن وجود ندارد.

۲-۱-۶. راهبرد جایگزینی واردات

یکی از سیاست‌هایی که به منظور متنوع‌سازی اقتصاد در گذشته مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت، راهبرد جایگزینی واردات است. این سیاست هرچند در ابتدا رشد اقتصادی بالایی را به همراه دارد، اما تجربه کشورها نشان داده که در شرایطی می‌تواند آسیب جدی به بخش‌های مختلف اقتصادی وارد سازد. از آنجایی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در گذشته مورد ظلم و ستم کشورهای استعمارگر قرار گرفته بودند هر راهکاری مبتنی بر طرد کشورهای استعمارگر برای مردم این کشورها جذاب به نظر می‌رسید.

این راهکار برای دولتمردان کشورهای در حال توسعه هم جذاب بود، زیرا ظاهراً باعث افزایش محبوبیت دولت و کنترل و اقتدار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور می‌شد. از سوی دیگر چون محدودسازی واردات از طریق وضع حقوق گمرکی صورت می‌پذیرفت دولت‌ها به یک منبع درآمدی جدید دست می‌یافتند و به سادگی می‌توانستند اشتغال به وجود آمده در یک بخش حمایت شده را به رخ مردم بکشند.

به هر حال نتایج به دست آمده برای مدافعین این راهکار خوشحال‌کننده نبود. زیرا مطابق اصول اولیه اقتصاد بین‌الملل، تحریم تجارت، رفاه کشور را پایین می‌آورد از سوی دیگر چنانچه مواد اولیه و واسطه‌ای صنایع تازه تأسیس از کشورهای غربی وارد شوند قطع وابستگی به این کشورها در عمل رخ نداده است، به عبارت دیگر تنها نوع واردات از کالاهای نهایی به واسطه‌ای تغییر کرده است.

برای مثال صنایع داخلی که بدون رقیب هستند، چنان سود زیادی به دست می‌آورند که هیچ نیازی برای کاهش هزینه تولید و کسب رضایت مصرف‌کننده ندارند. بنگاه‌های فوق که از سمت قیمت رقابتی بازار جهانی تحت فشار قرار ندارند، به جای بهبود در فرآیند تولید و فروش سعی می‌کنند با استفاده از نفوذ خود در دولت و حکومت در مواقع لازم از حمایت بالاتری برخوردار

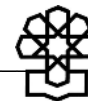
شوند که راه را برای گسترش فساد هموار می‌کند.

در مقابل بحث فوق باید توجه داشت در شرایطی که تحریم از درون اقتصاد درخواست نشده، بلکه از بیرون اقتصاد تحمیل می‌شود، راهبرد جایگزینی واردات گریزناپذیر است. هرچند که این راهبرد مشکلاتی را نیز در پی دارد.

این راهبرد را می‌توان در مدتی مشخص و محدود و به‌خصوص در مورد بخش‌هایی که مستعدتر بوده و در آینده قدرت رقابت بین‌المللی را کسب خواهند کرد پیاده کرد. بنابراین می‌توان عنوان کرد که راهبرد جایگزینی واردات هرچند براساس دیدگاهی که در گذشته وجود داشته، یک راهبرد بلندمدت به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی بوده است، اما این راهبرد با توجه به تجربه جهانی آن، می‌تواند هم برای کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران مورد استفاده قرار گیرد و هم برای تقویت بخش‌های اقتصادی مستعدتر و کسب توان تولید در سطح بین‌المللی به‌کار گرفته شود.

۳-۱-۶. خودکفایی در بخش کشاورزی

یکی دیگر از سیاست‌هایی که ممکن است در ارتباط با متنوع‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی مطرح شود، خودکفایی در بخش کشاورزی است. درحالی که باید توجه داشت که کارآیی در این بخش به مراتب بااهمیت‌تر از خودکفایی است. همان‌طور که در ابتدای این بخش از مطالعه اشاره شد، وجود یک دسته از کالاهای صادراتی غالب در کشورها، معمولاً باعث تضعیف سایر بخش‌های اقتصادی می‌شود که در این خصوص نیز آسیب‌پذیرترین بخش، بخش کشاورزی است. در ایران نیز افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰ باعث ورود آسیب جدی به بخش کشاورزی شد و از آن تاریخ تاکنون خودکفایی در بخش کشاورزی را مشکل کرده است. هر چند که خودکفایی در این بخش در صدر برنامه‌های وزرای کشاورزی از آن زمان تاکنون قرار گرفته است. منصور روحانی آخرین وزیر کشاورزی قبل از انقلاب ماجرای خودکفایی در محصولات کشاورزی را این‌گونه شرح می‌دهد: «تا قبل از اصلاحات ارضی با توجه به درآمد سرانه ۱۰ تا ۱۵ دلار در سال مردم ایران با مصرف ۲۰۰۰ کالری سرانه و پروتئین حیوانی محدود خودکفا بودند. واردات و صادرات محصولات کشاورزی تقریباً برابر و گاه به‌نفع صادرات می‌چربید تا سال ۱۳۵۱ که درآمد سرانه به ۵۰۰ دلار رسید، باز هم رشد ۴ درصدی کشاورزی جوابگوی افزایش تقاضا بود تا آنکه از سال ۱۳۵۳ که در اثر درآمد ۲۰ میلیارد دلاری نفت قدرت خرید مردم افزایش یافت و نظام مالی و اقتصادی کشور به‌هم خورد. در ظرف دو سال دستمزد یک کارگر ساده ۴ تا ۶ برابر افزایش یافت و این افزایش دستمزدها قدرت خرید بسیار عظیمی در اختیار جامعه ایران نهاد که در نتیجه آن تقاضا سالیانه ۱۰ درصد افزایش یافت، درحالی که تولید سالیانه فقط ۵ درصد افزایش می‌یافت.



فاصله ۵ درصدی رشد تقاضا و رشد تولید موجب افزایش قیمت‌ها شد و چون رشد تولیدات کشاورزی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بود که حداقل بین ۵ تا ۱۰ سال زمان صرف آنها می‌شد، مجبور شدیم دست به واردات کشاورزی بزنیم تا افزایش قیمت‌ها را کنترل کنیم (زرگر، ۱۳۸۰).

جامعه ایرانی همواره نیاز به واردات گندم، برنج، گوشت و روغن از خارج را یک ضعف عمده تصور می‌کرد تا آنجا که لزوم خودکفایی در محصولات کشاورزی و به‌خصوص کالاهای استراتژیک نه تنها عمده‌ترین برنامه کاری اعلام شده توسط تمامی وزرای کشاورزی دولت‌های پس از انقلاب بود، بلکه تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز از همان ابتدا آن را جزء مهمترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی عنوان کردند. درواقع نگرانی از احتمال ورود فشارهای سیاسی و خدشه‌دار شدن استقلال کشور از طریق نیازمندی به واردات کالاهای اساسی دولتمردان را واداشته بود که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب توجه ویژه‌ای به خودکفایی آن هم نه تنها در کالاهای استراتژیک که در تمامی کالاهای مورد نیاز داخل داشته باشند. با این‌حال هزینه‌های سنگین اجرای این استراتژی خود را در عمل نشان دادند. در این راستا وزارت کشاورزی طرحی را آماده کرد که در آن جداول خاصی برای تعیین زمان قطعی خودکفایی محصولات کشاورزی وجود داشت، البته این طرح هرگز عملی نشد، احتمالاً به‌علت اعلام رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه که اظهار داشته بود اجرای چنین طرحی به سرمایه‌ای نزدیک ۶ برابر تمامی بودجه کشور از ابتدای انقلاب تا آن زمان نیاز داشته و به هیچ‌وجه قابل اجرا نیست (پیشین).

با این‌حال خودکفایی در محصولات استراتژیک کشاورزی همچنان مورد توجه بود، به نحوی که این امر در اولین برنامه توسعه کشور به تصویب مجلس رسید. درواقع از همان ابتدای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که مسئولین مخصوصاً در وزارت کشاورزی مطرح می‌کردند، لزوم محوریت بخش کشاورزی در توسعه بود. با این‌حال این هدف نه تنها در برنامه اول که در برنامه دوم نیز که رسماً اعلام شده بود محوریت آن با کشاورزی است تحقق نیافت (زرگر، ۱۳۸۰).

در سال ۱۳۸۴ اعلام شد که ایران در تولید گندم خودکفا شده است، خودکفایی کشور در تولید گندم با انتقادات فراوانی همراه بوده است (صرفنظر از آنکه گفته می‌شود واردات گندم با اسامی دیگری مانند تأمین خوراک دام و طیور همچنان ادامه داشت). بعضی از این انتقادات عبارت است از: - عدم توجه به مسائل اقتصادی، به عبارت دیگر خرید گندم از خارج ارزان‌تر از تولید آن در کشور است. به عنوان مثال در چهار ماهه اول سال ۱۳۹۰ با قیمت‌های محاسباتی آن زمان قیمت وارداتی گندم ۳۰۰ تومان بود و دولت قیمت تضمینی خرید را ۳۶۰ تومان اعلام کرد، درحالی که به نظر کارشناسان حداقل قیمت گندم براساس نرخ تورم باید ۳۸۱ تومان باشد.

- قربانی شدن تولیدات دیگر کشاورزی (جو، دانه‌های روغنی، علوفه، قند) به‌خاطر افزایش تولید گندم که در این حالت کشور مجبور به واردات این کالاها خواهد شد.

نکته جالب در مسئله تولید بالاتر گندم، نبود محل کافی برای نگهداری گندم‌های تولیدی است که منجر به ضایعات بالای تولید (۳۰ درصد) می‌شود.

برخی اعتقاد دارند خودکفایی در محصولات کشاورزی با توجه به محدودیت‌های کشور ایده درستی نیست، بلکه شاخص مهم برای یک کشور تعادل تراز تجاری بخش بازرگانی است. مفاهیم خودکفایی و استقلال نسبت به گذشته دارای تغییراتی شده است. به این ترتیب که استقلال به معنای عدم واردات کالا یا نیازمند نبودن به واردات یک کالا نیست، بلکه اگر یک کشور بازارهای خرید متنوع بین‌المللی داشته باشد، قدرت چانه‌زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان داشته و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور کاهش می‌یابد. همچنین با مجهز شدن کشور به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و مصرف کارآمد کالاهای مهم می‌توان بر بسیاری از مشکلات با هزینه کمتری غلبه کرد. در این راستا نظام برنامه‌ریزی کشور باید از ظرفیت‌سازی به افزایش کارآیی حرکت کند.

جمع‌بندی از موضوعات مطرح شده درخصوص دو سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک و به‌خصوص کشاورزی نشان می‌دهد که هر چند لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارآیی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثرتری در متنوع‌سازی اقتصاد سایر کشورها و همچنین ایران نشان داده است، اما این موضوع در شرایط خاصی می‌تواند به یک تهدید در اقتصاد نیز تبدیل شود. زمانی که ذخیره‌سازی‌ها به‌درستی انجام نگیرد بازار دچار بحران می‌شود و اگر این بحران در مورد محصولاتی باشد که خود نهاده بخش‌های دیگر محسوب شوند چالش شدیدتر خواهد شد. همچنین اگر شرایط اقتصاد بین‌الملل به‌گونه‌ای تغییر یابد که تأمین این نیازها به آسانی میسر نگردد وضعیت جایگزینی واردات توجیه‌پذیر می‌گردد.

همچنین نباید از وظیفه دستگاه‌های ذیربط در بالاتر بردن بهره‌وری و بازده در هکتار غافل شد. اگر این سیاست با اصلاح بذر و اصلاح شیوه‌های زراعی همراه باشد دلیلی بر ظهور برخی پیامدهای منفی نخواهیم داشت و سیاست جایگزینی واردات، به‌خصوص در بخش کشاورزی می‌تواند زمینه صادرات این محصولات و متنوع‌سازی صادرات را نیز فراهم کند.

متنوع‌سازی صادرات می‌تواند یکی از مشکلات مهم کشور که عبارت از استفاده نادرست و ناکافی از تجهیزات سرمایه‌ای می‌باشد را حل کند. استفاده ناقص از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد به نوسان در تقاضا و عرضه ناکافی مواد اولیه نیز مربوط می‌شود و این مشکلات خود را به‌طور جدی در صنایع صادراتی نشان می‌دهند.



امروزه کشوری قدرت مانور بیشتری دارد که بتواند از طریق انجام معاملات تجاری ارز بیشتری کسب کند و هم خطوط تولیدی انعطاف‌پذیر داشته باشد و نیز در شرایط محدودیت‌های تجاری هزینه و نیاز ارزی کمتری داشته باشد. پس همه توان اقتصاد و پیکره آن می‌باید در این راستا هماهنگ گردد و حلقه‌های مختلف تولید با یکدیگر پیوند داشته باشند.

۲-۶. مؤلفه‌های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی

همانطور که اشاره شد اقتصاد مقاومتی در بلندمدت نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت و تلاش در جهت دستیابی به شاخص‌های تعیین شده دارد. از این‌رو در این بُعد از مطالعه ابتدا مؤلفه‌های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی عنوان شده و سپس مؤلفه‌های کوتاه‌مدت و خرد لازم برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی تبیین می‌شود. برای بلندمدت می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- استفاده از کلیه ظرفیت‌های اقتصادی خصوصی و دولتی موجود برای مبارزه با شوک‌های وارده که به معنای بالا بردن توان انعطاف‌پذیری اقتصاد در بهره‌گیری از منابعش می‌باشد،
- اجتناب از مصرف بی‌رویه و به‌جای آن تمرکز بر پس‌انداز بیشتر (کاهش هزینه‌ها)
به‌خصوص در بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی،

- متنوع‌سازی منابع درآمدی اقتصاد (افزایش درآمد از راه‌های دیگر)،

- پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد به دو صورت:

• استفاده از سرمایه اجتماعی کشور برای جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع تحریم‌کنندگان با استفاده از نقطه‌ضعف‌های کشورهای تحریم‌کننده. با توجه به آنکه تحریم ایران و به‌خصوص تحریم نفت ایران، بسیاری از کشورهای واردکننده نفت را متضرر می‌سازد شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد. درحالی که در بیشتر کشورهای غربی رشته‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وجود دارد، هیچ رشته غرب‌شناسی یا مشابه آن در کشور ما وجود ندارد که بالطبع اثر منفی بر اقتصاد مقاومتی به‌دلیل عدم شناخت توان جبهه مقابل خواهد داشت.

• جایگزینی سرمایه انسانی با فیزیکی.

تحریم‌ها در بدترین حالت ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی را مختل می‌سازند. در چنین شرایطی کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی داخلی را جانشین سرمایه از دست‌رفته سازد.

- گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خطوط تلفن و اینترنت و...)

به‌منظور کاهش هزینه تجارت برای بخش خصوصی.

۶. پرهیز از وابستگی تجارت به چند کشور معدود در حوزه تجارت و متنوع‌سازی در شرکای تجاری کشور.

راهکارهای ذکر شده می‌تواند به عنوان راهکارهای کلی برای اقتصاد مقاومتی در بلندمدت مد نظر قرار گیرد. با این حال لازم است تا درخصوص شرایط اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت مطالعه همه‌جانبه‌ای صورت گیرد که محورهای این مطالعه از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. در ادامه محورهای اصلی مطالعه درخصوص اقتصاد مقاومتی برای کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۶. مؤلفه‌های کوتاه‌مدت برقراری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت به تبیین اقتصاد در زمان تحریم و فشارهای بین‌المللی می‌پردازد تا در یک دوره کوتاه‌مدت سه تا پنج‌ساله بتواند بحران‌ها را با موفقیت پشت سر گذارد. در این خصوص برخی مؤلفه‌های اولیه برای مقابله با شوک‌های وارده به اقتصاد در اثر تحریم و سایر موارد را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۳-۶. استفاده از پتانسیل همبستگی مردم به منظور تحقق شعار همت مضاعف و کار مضاعف

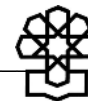
- ایجاد رابطه بین امنیت شغلی و همت و کار مضاعف،
- همگانی شدن بیمه تأمین اجتماعی و ایجاد همبستگی رابطه بین کارگر و کارفرما در اقتصاد مقاومتی.

۲-۳-۶. کنترل مصرف و تلاش در راستای تغییر الگوی مصرف

- لزوم کاهش مصرف در بخش دولتی به عنوان اولویت اول،
- رابطه بین هدفمند کردن یارانه‌ها و الگوی مصرف،
- رابطه بین انضباط پولی دولت و هدفمندی یارانه‌ها،
- تقویت بازارهای مالی، ایجاد مشوق‌های مالی در بورس، اوراق مشارکت و بانک‌ها به منظور سوق دادن سرمایه‌ها به سمت بازارهای مالی به جای مصرف بیشتر (در صورتی که مردم امید به پس‌انداز داشته باشند، مصرف کاهش می‌یابد) و تقویت بیمه بورس.

۳-۳-۶. استفاده از تولید داخلی

- لزوم رصد مشکلات تولیدکنندگان در شرایط فعلی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات و رفع دائمی و روزآمد آنها،



- لزوم سوق دادن سرمایه‌ها به سمت تولید به‌جای طرح‌های هزینه‌زا،
- امکان‌سنجی تأمین مالی اجرای طرح‌ها با منابع موجود و عدم گسترش بی‌رویه طرح‌های در دست اجرا،
- ارزیابی تعداد طرح‌های مصوب، هزینه آنها و اولویت‌بندی اجرای طرح‌ها برحسب ضرورت اجرا و هزینه مورد نیاز،
- انتخاب طرح‌های مصوب با توجه به بازه زمانی کوتاه‌مدت و لزوم زودبازده بودن آنها،
- بررسی نسبت ارزش طرح‌ها به تولید و مقایسه با بودجه سالیانه،
- لزوم توجه به مشکلات بخش تولید در هدفمندی یارانه‌ها در انتخاب طرح‌ها،
- لزوم توجه به کارآفرینی و طرح‌های اشتغال‌زا،
- اولویت توجه به فناوری‌های نوین و شرکت‌های دانش‌بنیان و نقش آنها در اقتصاد مقاومتی.

۴-۳-۶. اجرای سیاست‌های مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های اصل چهل و چهارم

قانون اساسی

- توجه به بخش خصوصی به‌ویژه در انجام مبادلات به‌منظور دور زدن تحریم‌ها،
- نقش بخش خصوصی در نقل و انتقالات سرمایه بسیار با اهمیت است،
- توجه به رابطه بین اشتغال، امنیت شغلی و مردمی کردن اقتصاد،
- برنامه‌ریزی برای گسترش استفاده از ظرفیت‌های تولیدی داخل با تأکید بر میزان توانایی بالقوه هر بخش و اولویت دادن به بخش‌های مستعدتر.

۵-۳-۶. تأمین نیازهای اساسی از سوی دولت

- استفاده از سیاست‌های کنترل بازار در شرایط بحران،
- رصد موجودی بازار و ذخیره‌سازی نیازهای اساسی،
- بررسی چگونگی اجرای سیاست‌های توزیعی کالا برای کوتاه‌مدت،
- تمهیدات اجرایی برای تولید و واردات و توزیع آنها در جهت تأمین نیازهای تولیدی سایر بخش‌ها و نیازهای مصرفی نهایی.

این مطالعه تاکنون به جنبه‌های اقتصاد مقاومتی پرداخت و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، راهبردهای اقتصاد مقاومتی و تفاوت یک اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سالم و توسعه‌یافته را مطرح ساخت. با این حال همانطور که اشاره شد یک جنبه از اقتصاد مقاومتی به‌منظور مقابله به بحران‌های کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت مسیری در طول یکدیگر هستند که هرچند باید به راهبردهای اقتصاد مقاومتی در بلندمدت توجه داشت، اما لازم است تا با توجه به شرایط خاص کشور در موقعیت فعلی که افزایش تحریم‌ها را در پی دارد، توجه خاصی به راهبردهای آن در کوتاه‌مدت به‌منظور عبور از بحران مبذول شود.

۶-۳-۶. تبیین چارچوب‌های ضروری مطالعاتی برای ارائه راهبردهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در بلندمدت مورد بررسی قرار گرفت و درخصوص اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت نیز عنوان شد که باید مؤلفه‌های اصلی مطالعه در این خصوص تبیین شود. پس از بررسی سرفصل‌های اصلی درخصوص مطالعه اقتصاد مقاومتی، در اینجا لازم است تا جمع‌بندی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی صورت گیرد و لذا این سؤال مطرح می‌شود که سرانجام چه راهبردهای عملیاتی باید در اقتصاد ایران به اجرا گذاشته شود؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، با توجه به موارد مطرح شده در بالا و لزوم بررسی وضعیت جاری کشور در مطالعه اقتصاد مقاومتی، می‌توان سرفصل‌های اصلی که باید مورد مطالعه قرار گیرند را به شرح زیر عنوان کرد. به‌عنوان مثال برخی افراد ممکن است شرایط مقاومتی امروز اقتصاد را با شرایط مقاومتی دوران جنگ تحمیلی مقایسه کنند و سیاست‌های مشابه را تجویز نموده و یا با استناد به دلایلی آنها را رد کنند. به‌نظر می‌رسد شرایط امروز با شرایط آن زمان تفاوت‌هایی کرده است که در اتخاذ سیاست‌ها باید به این تفاوت‌ها توجه کرد زیرا می‌تواند نتایج متفاوتی نسبت به آن دوران دربر داشته باشد. لذا یک محور مطالعاتی شناخت تفاوت شرایط جاری کشور در مقایسه با شرایطی مقاومتی دهه اول انقلاب در نظر گرفته شده است.

ازسوی دیگر بخشی دیگر از اطلاعات در زمینه وضعیت جاری نیز باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد تصمیم‌گیری شود که وجود اطلاعات به‌روز در این زمینه ضروری است. مسائلی مانند وضعیت درآمد ارزی، میزان ذخایر کالاهای اساسی، نحوه وجود شرایط رانتی در اقتصاد و مقابله با آنها، نحوه تأثیر تحریم‌ها بر اشتغال و درآمد خانوارها، چالش‌های بخش‌های پولی و بانکی، بورس و... در این گروه جای می‌گیرند. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود در بخش‌های زیر مطالعه صورت گیرد تا هماهنگی‌ها، تفاوت‌ها و توانایی‌ها شناسایی گردد و سرانجام بتوان با تکیه بر نتایج آنها راهبردهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه کرد. لازم است تأکید شود سرعت در انجام مطالعه و ارائه دستاوردها بسیار حائز اهمیت است و نباید به بهانه دقت، زمان را از دست داد و هزینه فرصت ازدست‌رفته به مراتب بیشتر از هزینه صرف دقت در مطالعه خواهد بود و لذا پیشنهاد می‌شود ضمن تقسیم کار بین نهادهای مسئول سقف زمانی برای ارائه نتایج در نظر گرفته شود.

۱. شناخت تفاوت شرایط جاری کشور در مقایسه با شرایط مقاومتی با دهه اول انقلاب

- بررسی سهم مصرف از تولید ناخالص داخلی نسبت به دهه اول انقلاب (افزایش مصرف‌گرایی)،
- بررسی اثر افزایش درآمدهای ارزی طی سال‌های ۱۳۸۴ به بعد و تأثیر آن بر ارتقای سطح زندگی



در سال‌های اخیر (ارتقای سطح زندگی در سال‌های اخیر، تلاش برای کاهش مصرف و صرفه‌جویی را دشوار می‌سازد)،

- مقایسه وضعیت تحریم‌های بین‌المللی در زمان جاری با دهه اول انقلاب،
- ویژگی فرهنگی افراد جامعه از بُعد ایثار و وابستگی نسبت به شرایط دهه اول انقلاب،
- مقایسه میزان وابستگی در تأمین نهاده‌های اولیه تولیدات صنعتی و کشاورزی و تأمین تجهیزات پزشکی و نهاده‌های این بخش‌ها.

۲. بررسی وضعیت درآمدهای ارزی،

۳. موجودی کالاهای اساسی و چگونگی وضعیت ذخیره‌سازی آنها،

۴. سهم وابستگی به واردات در بخش‌های مختلف،

۵. شرایط ایجاد رانت و فعالیت‌های رانت‌جویانه به واسطه قیمت‌های دوگانه (وضعیت فعلی و شرایط دهه ۱۳۷۰)،

۶. وضعیت اشتغال، نیروی کار فعال و غیرفعال و پیش‌بینی از نیروی کار عرضه شده به بازار در آینده،

۷. چگونگی وضعیت بخش خصوصی، اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و چالش‌های آن،

۸. روش‌های تسریع اعمال سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی و اثربخشی آنها

- بررسی میزان شفافیت در اجرای سیاست‌های ارزی و پایبندی به سیاست‌های اتخاذ شده و نحوه اثربخشی سیاست‌ها،

- وضعیت ذخیره‌سازی ارزی با توجه به پیش‌بینی شرایط آینده،

- سیاست‌های پولی، پایه پولی و بررسی وضعیت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، مطالبات معوق بانک‌ها، استمهال مکرر بدهی‌ها و تأثیر آنها بر بخش‌های مختلف اقتصادی،

- بررسی راهکارهای ایمن‌سازی بازار بورس (اعم از اوراق بهادار و کالا و انرژی) از شوک‌های برون‌زا.

۹. بررسی منابع مالی دولت و پایداری آنها

- منابع مالی بالفعل،

- سهم نفت در درآمدهای دولت،

- سهم انواع مالیات (مالیات بردرآمد، سود، واردات) از درآمدهای دولت،

- سایر درآمدهای دولت،

- منابع مالی بالقوه برای دولت،

- ظرفیت استفاده از درآمدهای ترانزیتی.

لزوم توجه به پتانسیل‌های کشور در زمینه ترانزیت به‌خصوص آنکه ایران مشکلات سیاسی کمتری با کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قزاقستان و کشورهای آسیای میانه دارد. در این زمینه راهکار بلندمدت تقویت جاده‌ها و راهکار کوتاه‌مدت ارائه تسهیلاتی برای ارائه خدمات ترانزیت از قبیل بیمه، دریافت حق ترانزیت پایین‌تر و... است.

- استفاده از ظرفیت‌های توریستی،

ظرفیت‌های توریستی کشور، هرچند در کوتاه‌مدت نمی‌تواند درآمدزایی بالایی داشته باشد ولی تلاش برای جذب توریست‌های عرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس، توجه به ظرفیت جذب توریست از کشورهای عراق، افغانستان، بحرین و... و به‌خصوص شیوه‌های جدید توریسم درمانی، می‌تواند مفید باشد.

۱۰. بررسی مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی

نفت

- بررسی مشکلات تولید و صادرات در بخش نفت در شرایط تحریم، مشکلات ناشی از بیمه نفتکش‌های نفتی ایران و...

- چگونگی اثرپذیری تنوع درآمدهای نفتی (به تفکیک، نفت خام، پتروشیمی، میعانات گازی و محصولات پایه نفتی) به‌علت شرایط تحریم،

- بررسی چگونگی ذخیره‌سازی درآمدهای نفتی جاری با توجه به افزایش احتمال بحران در صورت وقوع جنگ در خاورمیانه،

- بررسی وضعیت مشتریان نفتی ایران، سهم هریک و شدت وابستگی آنها به نفت صادراتی کشور، راهکارهایی برای معرفی مشتریان جدید نفتی.

صنعت و معدن

- بررسی میزان وابستگی بخش‌های مختلف صنعت به واردات،

- بررسی چگونگی ذخیره‌سازی کالاهای اساسی (اعم از موارد مصرف نهایی یا واسطه‌ای)،

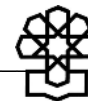
- بررسی اقلام اول واردات صنعتی در ادوار گذشته و بررسی چگونگی تأمین تداوم آنها با تکمیل حلقه‌های واسطه تولید داخلی در تولیدات صنعتی و معدنی.

کشاورزی

- امکان‌سنجی و چگونگی ذخیره‌سازی کالاهای اساسی مانند گندم،

- راهبردهای خرید تضمینی گندم،

- مشکلات قیمتگذاری خرید تضمینی گندم،



- شیوه‌های در اختیار گذاشتن دانش مهندسی کشاورزی در سطح مزارع، باغ‌ها و روستاها به‌منظور کاهش ضایعات و افزایش بازده.

۱۱. بررسی وضعیت متغیرهای حقیقی اقتصاد کلان (مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و...) و میزان تأثیرپذیری آنها از تحریم‌ها.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه به‌عنوان ویرایش اول درخصوص اقتصاد مقاومتی به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های اصلی آن پرداخت. به همین منظور در ابتدا بررسی وضعیت جاری کشور و مقایسه آن با صدر اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین شد و در ادامه مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اقتصاد مقاومتی از دو دیدگاه بلندمدت و کوتاه‌مدت بررسی شد. در بخش بلندمدت، شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، راهبردهای آن و تفاوت یک اقتصاد مقاومتی با اقتصاد سالم و توسعه‌یافته مورد اشاره قرار گرفت.

تلاش شد تا مؤلفه‌ها و سرفصل‌های اصلی مطالعه درخصوص اقتصاد مقاومتی احصا شود. در این خصوص اشاره شد که در بررسی اقتصاد مقاومتی در گام اول باید تصویری از وضعیت جاری اقتصاد کشور ارائه شود و در گام دوم با درنظر گرفتن شرایط جاری کشور از دیدگاه اقتصادی و فرهنگی، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی درنظر گرفته شده و سیاستگذاری در جهت اجرای اقتصاد مقاومتی صورت گیرد.

نتایج بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تا حدود زیادی با یکدیگر دارای وجه مشترک بوده و ناقض یکدیگر نیستند. اقتصاد مقاومتی در بلندمدت، تا حدود زیادی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم شباهت دارد، با این تفاوت که تهدیدهایی که ازسوی جامعه جهانی وجود دارد را نیز همواره درنظر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت نیز بر بسیاری از شاخص‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته مانند کاهش وابستگی به نفت، تنوع در کالاهای صادراتی، کاهش بیکاری و... نیز تأکید دارد، با این حال به‌منظور عبور از شرایط بحران، در اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت ممکن است سیاست‌هایی اتخاذ شود که در بلندمدت توصیه نمی‌شود. در این خصوص می‌توان به سیاست‌هایی مانند سیاست‌های تنظیم بازار و توزیع کالا ازسوی دولت اشاره کرد.

این گزارش همانطور که اشاره شد، نسخه مقدماتی مطالعه درخصوص اقتصاد مقاومتی است و انتظار می‌رود که در گزارشات آتی و تکمیلی متعدد، سرفصل‌های عنوان شده در این گزارش

مورد بررسی قرار گیرد. سرعت در انجام مطالعات تکمیلی امری ضروری و واجب است و هرگونه تأخیر می‌تواند هزینه‌هایی را به اقتصاد کشور تحمیل نماید.

منابع و مأخذ

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قم، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۹.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان کشور، مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۹۱/۵/۳.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، مورخ ۱۳۹۱/۵/۸.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۷.
۶. رجبی دوانی. شرایط مسلمانان در بدر و خیبر و تفاوت آن با شعب ابی‌طالب، روزنامه خراسان، مورخ چهارشنبه ۱۳۹۰/۱۰/۲۱، شماره انتشار ۱۸۰۲۹.
۷. حجت‌الاسلام طائب، مهدی. چرا در شرایط بدر و خیبر هستیم؟، منتشر شده در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=18669>
۸. صدر، سیدمحمدباقر. اقتصاد صدر اسلام، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۹. سیدشکری، خشایار. آثار اقتصادی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت، مجموعه مقالات همایش ملی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت، ۱۳۸۸.
۱۰. تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده در اجرای قوانین بر تولید و هزینه شده گندم در سال ۱۳۹۰، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۱۰۸۴۸، خردادماه ۱۳۹۰.
۱۱. سیدشکری، خشایار. عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال، همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۸۰.
12. R.Shediac & Others, Economic Diversification: The Road to Sustainable Development, Booz & Company, 2008.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۵۴۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اقتصاد مقاومتی ۱. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: فتح‌الله تار، خشایار سیدشکری، زهرا کاویانی

ناظر علمی: سیدمحمدرضا سیدنورانی

متقاضی: کاظم جلالی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد مقاومتی

۲. اقتصاد اسلامی

۳. اقتصاد دانش‌بنیان

۴. جایگزینی واردات

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۶/۱۵